

سردرگمی فعالان اقتصادی از نااطمینانی آینده اقتصادی

## در محاق تردید

نگاه مهندس احمد پورفلاح، مدیر عامل شرکت سکو ایران، به نقش تحلیل‌های منطقی و آماری درست در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی

صنعت کشور ما در سال گذشته شاهد اتفاقاتی بود که بر روند رشد و رکود آن تأثیرگذار بوده است و البته در سال جدید، اثرات آن متفاوت خواهد بود. یکی از مواردی که در این رابطه قابل بحث است، موضوع هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت آن به صورت نقلی است. در حال حاضر، کلیه فعالان صنعتی، ضمن ضروری و حیاتی دانستن حذف یارانه کالاهای مصرفی، نگران تأثیر شدید حذف تنها مزیت فعلی صنایع کشور

هستند. به طور حتم با توجه به شرایط رکودی و تورمی حاکم بر کشور، عدم توجه به این مطلب سبب خواهد شد صنعت کشور با چالش‌های جدی مواجه شود. مضاف بر این مطلب، باید توجه داشت که قرار است در برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۴ - حدود ۱۵ سال دیگر - ۸۰ درصد از نیازهای بودجه کشور اعم از جاری و عمرانی از صادرات غیرنفتی تأمین شوند. این بدان معنی است که برای تحقق این هدف، باید رقم صادرات ایران به مرز ۱۴۰ میلیارد دلار برسد. اما در نیمه نخست سال گذشته شاهد بیش از ۱۵ درصد کاهش در صادرات غیرنفتی

بوده‌ایم. با این روند، این سؤال پیش می‌آید که آیا با چنین دستاوردهایی از صادرات و چنین سیاست‌هایی می‌توان به رکوردهای هدف‌گذاری شده دست یافت؟ آیا نباید با تعدیل نرخ ارز صادراتی - حداقل برابر با تورم‌های رسمی - انگیزه‌ای برای صادرکنندگان به وجود آوریم تا در شرایط رقابتی تنگاتنگ فعلی، ابزار لازم را جهت پیشرفت در اختیار داشته باشند؟ به طور حتم جواب این سؤال مثبت است، چرا که در غیر این صورت دستیابی به اهداف مذکور کاری بس دشوار خواهد بود.

علاوه بر این مسایل، گسترش بخش خصوصی هدف دیگری است که در برنامه‌های اقتصادی کشور تدوین شده است. بر اساس آمارهای ارائه شده در اجرای اصل ۴۴ حداکثر ۱۰ درصد از سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی واگذار شده است. حال سؤال این است که با روند مذکور، چگونه قرار است خصوصی‌سازی واقعی اتفاق بی‌افتد؟ متأسفانه باید اذعان داشت تا زمانی که اختیار خصوصی‌سازی

در دست دولت است، نمی‌توان امید چندانی به تحقق کامل آن داشت. به علاوه آن که بارها گفته‌ایم فرآیند کنونی خصوصی‌سازی شرکت‌های اصل ۴۴ و قانون هدفمندی یارانه‌ها دو نقطه مغایر هم هستند. در شرایط کنونی و با واگذاری شرکت‌های ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی، حذف یارانه‌ها و به خصوص مزیت‌های تولید، همانند انرژی و ورشکستگی گسترده بسیاری از این شرکت‌ها و بروز انواع مشکلات اقتصادی هم در



بعد بنگاه و صنعت و هم در بُعد کلان اقتصادی منجر خواهد شد.

موضوع حایز اهمیت بعد که به خصوص در شرایط کنونی نیازمند بازبینی بیشتر و دقت عمل بالاتری است، به دیگر واقعیت‌های اقتصادی موجود در کشور که منتج از آمارهای رایج غلط در جامعه است برمی‌گردد. این مسأله از آنجا اهمیت دارد که با ارائه آمارهای کارشناسی نشده و بعضاً غلط و به اشتباه انداختن سرمایه‌گذاران، موجبات اتلاف منابع مالی و کاهش رغبت بخش خصوصی داخلی و خارجی فراهم آمده که این مسأله، لزوم دستیابی به آمارهای قابل اتکا را نشان می‌دهد. تناقض‌های محاسباتی اخیر نیز که منجر به سردرگمی سرمایه‌گذاران در ماه‌های گذشته شده نشانه‌های خوبی نیستند و همه فعالان اقتصادی را در حالت گم‌ا قرار داده‌اند، چرا که در شرایط عدم اطمینان از اوضاع اقتصادی آتی کشور، نمی‌توان اقدامی مناسب کرد و برنامه‌ریزی‌ها در محاق تردید واقع می‌شوند.

### راست و دروغ آمارها

عدم حضور مرجع و تشکیلاتی که در مورد درست و نادرست بودن آمارهای اعلامی و محاسبات آماری آنها تجزیه و تحلیل نماید، بی‌تردید منجر به ارائه آمارهای مخدوش (به عمد یا غیرعمد) و بالطبع برنامه‌ریزی اشتباه بخش‌های مختلف و مرتبط می‌شود. اگر در خیلی از برنامه‌ها و پروژه‌ها با توقف، تأخیر و از دست دادن سرمایه‌های ملی مواجه شده‌ایم، نداشتن آمار بر مبنای تحلیل‌های کارشناسی از عوامل مؤثر این نابسامانی‌ها بوده است.

آمار غلط و اغراق‌آمیز (چه کم و چه زیاد) می‌تواند علاوه بر از دست دادن فرصت‌ها، جامعه را بی‌دلیل متوقع و امیدوار و یا مضطرب و نگران نموده و نهایتاً به دلیل عدم تأمین نیازهایشان، سرخورده و ناامید کند که هزینه آن به مراتب سنگین‌تر از اتلاف منابع مالی و اقتصادی است. وقتی به راحتی و بدون اتکا به کارشناسی بیان می‌شود "قرار است سالی یک میلیون خانه در کشور بسازیم" بی‌خانمان‌ها را حساس می‌نمایم که تحقق آرزویشان نزدیک است. در نتیجه علاقمندان به سرمایه‌گذاری صنعتی، بیشتر به سرمایه‌گذاری در این زمینه هدایت می‌شوند، تولیدکنندگان مصالح ساختمانی به ایجاد تقاضا، خرید مواد اولیه بیشتر و در نهایت حفظ یا افزایش نیروی کار امیدوار می‌شوند و بالاخره فعالان حوزه مسکن در بخش خصوصی دلگرم می‌شوند که به زودی برایشان تقاضای کار پدید می‌آید. چرخه معیوب مذکور به همین صورت ادامه می‌یابد و توهماتی بی‌دلیل را در اقتصاد پدید می‌آورد، اما وقتی به پایان سال نزدیک می‌شویم و هیچ کدام از اهداف را تحقق یافته نمی‌بینیم، همه امیدها به یأس بدل می‌گردند و عوارض منفی آن در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی مشاهده می‌شود. عکس این مطلب هم صادق است.

تورم حاصل از هدفمندی یارانه‌ها در تحلیل‌های مختلف با ارقام متفاوت (از ۱۵ درصد تا ۶۰ درصد) برآورد شده که به این ترتیب بر انتظارات تورمی جامعه دامن شده می‌شود و تقاضای حال مصرف‌کنندگان تحریک می‌گردد. لذا به عنوان راهکار، با ایجاد مرکز آماری در بخش خصوصی (ترجیحاً در اتاق بازرگانی) و همچنین دایر نمودن شورای نظارت بر برنامه‌ها و عملکردها با حضور نمایندگان کمیسیون‌های مختلف مجلس، نمایندگان وزارتخانه‌های مرتبط، نمایندگان تشکل بخش خصوصی و بالاخره نمایندگان سازمان بازرسی کل کشور و قوه قضاییه، شاید بتوان این بی‌نظمی‌ها را کنترل نمود و برنامه‌های گوناگون را در مسیری شفاف، درست و مسؤولانه هدایت کرد. ■